

فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره اول (پیاپی ۹)، بهار ۱۳۹۹، صص ۸۵-۵۸

تحلیل انتقادی گفتمان نامزدهای دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران

اکرم حمیدیان^۱

دریافت: ۹۸/۱۰/۲۴

پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۰

چکیده

پژوهش حاضر به تحلیل انتقادی گفتمان نامزدهای رقابت‌های دوازدهمین دوره ریاست جمهوری ایران پرداخته تا موضوعات مهم جامعه را در هر گفتمان شناسایی نماید. مواد خام تحلیل شامل متن مناظره‌های انتخاباتی و فیلم‌های مستند تبلیغاتی است که مورد تحلیل بینامتنی و بینا گفتمانی قرار گرفت. استخراج مضامین و محتوای دال‌های مرکزی بر اساس میزان تکرار و تأکید صریح نامزدها در مقایسه با متون رقبا، صورت گرفت.

در این رقابت‌ها سه گفتمان اصول‌گرای اصلاح‌طلب، اصلاح‌طلبی اصول‌گرا و توسعه‌پایدار رقابت نمودند. در حوزه گفتمانی توسعه‌پایدار اجتماعی، هاشمی‌طبا وضعیت موجود کشور را نقد کرد؛ اما به دلیل ضعف سیاسی زنجیره هم‌ارزی (جامعه‌دانشگاهی) و کمتر ایدئولوژیک بودن، قدرت کافی در رقابت‌ها نیافت. مثلث رئیسی، قالیباف و آقا میرسلیم (اصول‌گرایی اصلاح‌طلب) مرز ضدیتی خود را بر عدالت و حمایت از اقشار محروم ترسیم کردند، قالیباف مدیریت مدرن عدالت‌محور خود را از دولت کار - کرامت رئیسی متمایز ساخت. زوج روحانی - جهانگیری در گفتمان اصلاح‌طلبی اصول‌گرا، موفق نشدند نماینده گفتمان اصلاح‌طلبی دوم خردادی باشند و تنها با یاری جوانان جویای امید پیروز گشتند.

فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره اول (پیاپی ۹)، بهار ۱۳۹۹

^۱ استادیار جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، صندوق پستی ۱۹۳۹۵-۴۶۹۷ تهران، ایران.

گفتمان‌های فوق، افزون بر همگرایی شدید انقلابی اسلامی، وقته‌های مشترک اقتصادی - اجتماعی (فقر و نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی) داشتند. فاصله طبقاتی، بی‌اخلاقی‌های سیاسی، فساد مالی و رانت‌خواری عناصر مشترک گفتمان‌ها بود.

واژگان کلیدی: انتخابات، گفتمان، تحلیل انتقادی، گفتمان انتخاباتی، دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری.

در بیشتر حکومت‌های مبتنی بر نظام انتخابات (اعم از دموکراتیک، نیمه دموکراتیک و مستبد) رئیس‌جمهور بالاترین مقام اجرایی کشور و نماینده یک تفکر، گفتمان و یا یک ایدئولوژی است؛ بنابراین انتخابات ریاست جمهوری از مهم‌ترین رقابت‌های انتخاباتی سرنوشت‌ساز در هر کشور است. در کشورهای چندحزبی و یا دوحزبی (نظیر فرانسه، آلمان، انگلیس و امریکا) عموماً نامزدهای رئیس‌جمهوری نماینده احزاب شناخته‌شده‌ای هستند که به‌وضوح دارای گفتمان و برنامه‌های مشخص سیاسی هستند؛ اما در کشورهای جهان‌سومی که احزاب از قدرت و ثبات چندانی برخوردار نیستند و گروه‌های شبه حزبی بازی‌های سیاسی را طراحی می‌کنند، نمی‌توان از وجود گفتمان‌های مشخص و دارای ثبات سخن راند. شبه احزاب با هر موجی تغییر موضع می‌دهند، از این‌رو جامعه همواره دچار ترس و تردید است. کشور ایران همچون دیگر کشورهای جهان‌سومی از این قاعده مستثنا نیست و اگر نگاهی به کارنامه برخی از کنشگران گفتمان‌های اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی شود، دیده می‌شود که در گذشته به گفتمان‌ها و جریان‌هایی متفاوت از گفتمان کنونی متناسب بوده‌اند.

به‌رغم آنکه در چند دهه اخیر گفتمان‌های اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی، دو گفتمان سیاسی مسلط کشور ایران هستند، در هر دوره انتخاباتی برحسب فضای سیاسی، این گفتمان‌ها دال‌های محوری خاصی را مورد تأکید قرار می‌دهند که گاه به‌سوی رادیکالیسم و گاه به‌سوی محافظه‌کاری و اعتدال در این گفتمان‌ها پیش می‌روند به‌گونه‌ای که برخی محققان این گفتمان‌های موقت (چه در دوران تبلیغات انتخاباتی و چه در دوره قدرت دولت منتخب) را به‌مثابه گفتمان‌هایی نوظهور و یا قدیم احیاء شده موردتوجه قرار می‌دهند. شواهد نشان می‌دهد که در کشور ایران در ماه‌های منتهی به انتخابات هر دوره ریاست جمهوری، جامعه شاهد فضای سیاسی فعال‌تری است و تا حدودی به تجربه دموکراسی و آزادی بیان نزدیک می‌شود، مردم و نامزدهای انتخاباتی با آزادی بیشتری از برنامه‌ها، ایده‌آل‌ها و مطالبات خود سخن می‌رانند و یا گروه‌های رقیب و برنامه‌هایشان را با جسارت و افشاگری بیشتری به‌نقد می‌کشند. در این فضا، رسانه‌های ارتباطی همگانی (مجازی یا غیرمجازی، مکتوب یا غیر مکتوب، شنیداری و دیداری) ابزار بیان و پیدایش گفتمان‌های

انتخاباتی هستند، گفتمان‌هایی که ممکن است فراواقعی و تصویر رسانه‌ای باشند که فقط برای جلب آرا و مصرف رسانه‌ای داخلی و خارجی نمایش یابند یا اینکه برعکس گفتمان‌هایی واقعی و ریشه‌دار باشند که بنیان‌های فکری و عملی برخی گرایش‌ها در جامعه را بیان می‌کنند.

با این اوصاف به نظر می‌آید در تحلیل رقابت‌های انتخاباتی به‌ویژه رقابت‌های مهم ریاست جمهوری تحلیل انتقادی گفتمان نامزدهای رقیب بهتر از هر تحلیل سیاسی اجتماعی می‌تواند فضای سیاسی اجتماعی حاکم بر کشور را عیان سازد و موضوعات واقعی و مهم اجتماعی سیاسی را در قالب دال‌های مرکزی هر گفتمان شناسایی نماید.

از این رو سؤال‌های اصلی این پژوهش این است که: آیا نامزدهای انتخاباتی دارای هدف، ایده و روش‌های خاصی بودند به‌طوری‌که نماینده‌ی نوعی گفتمان باشند؟ اگر چنین است، گفتمان نامزدها چه اندازه و در چه مواردی همگرایی و اشتراک و یا واگرایی و تقابل داشتند؟ گفتمان نامزدها حول کدام دال برتر انسجام‌یافته و چگونه سایر وقته‌ها حول دال مرکزی مفصل‌بندی شده‌اند؟ گفتمان‌ها در شکل‌دهی مرز ضدیتی و تولید دیگری از چه سازوکاری بهره می‌گیرند؟ بنابراین مهم‌ترین اهداف این پژوهش عبارت‌اند از:

- شناخت گفتمان‌های رقیب در فضای رقابتی دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری کشور ایران.
- تحلیل گفتمان هر یک از نامزدهای دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری کشور ایران.
- شناخت دال‌های مرکزی گفتمان‌های نامزدهای دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری.
- مقایسه همگرایی و یا واگرایی گفتمان نامزدهای دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری.
- تحلیل بینامتنی و بیناگفتمانی سه مناظره انتخاباتی نامزدها.

تحلیل گفتمان به‌عنوان نظریه یا روش اساساً به کاربرد زبان در زمینه‌های اجتماعی معطوف است از این‌رو با زبان‌شناسی اجتماعی، پراگماتیسم، تحلیل زبانی و تحلیل گفتمانی مرتبط است. این دیدگاه‌ها خیلی اوقات چنان ارتباط درونی دارند که به‌سختی می‌توان آن‌ها را از هم تفکیک کرد (لورا جوز، ۲۰۰۹: ۱۱). با این‌حال تحلیل گفتمان در دهه‌های اخیر به‌منظور بررسی زمینه‌های گفتمانی که روابط دولت و جامعه درون آن شکل می‌گیرد کاربرد فراوان داشته است.

با آنکه اصطلاح تحلیل گفتمان نخستین بار در سال ۱۹۵۲ توسط زلیک هریس عنوان شد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۷) ولی شفیرین بین دو رهیافت اساسی تحلیل گفتمان تمایز قائل می‌شوند: ۱- رهیافت رسمی که گفتمان را به‌عنوان یک واحد زبانی و رای جمله تعریف می‌کند ۲- رهیافت کارکردی که گفتمان را کاربرد زبان می‌داند (لورا جوز، ۲۰۰۹: ۱۳). بر این مبنا هریس با دیدگاه فرمالیستی تحلیل گفتمان را فراتر از تحلیل محتوا، به‌صورت توصیفی می‌بیند که واحدهای بزرگ‌تر از جمله را بررسی و تحلیل می‌کند (تحلیل بینامتنی).^۱ درحالی‌که فوکو در دیدگاه کارکردی به شیوه تبیینی بر چرایی و چگونگی استفاده از زبان و اسامی قابل‌شمارش باز نماینده زندگی اجتماعی (تحلیل بینا گفتمانی) تأکید دارد. وداک (۱۹۹۶) نیز در این روش و با نگاه انتقادی بر ابعاد تاریخی گفتمان، تحلیل انتقادی گفتمان را برای مطالع/ مسأل/ نژادگرایی و یهودستیزی به کار گرفت (باتیا و همکاران، ۲۰۰۸: ۱۲).

تحلیل انتقادی گفتمان، یعنی تحلیل گفتمان قدرت و ایدئولوژی، تمرکز بر سلطه سیاسی اجتماعی است و مواردی چون تغییر اجتماعی سوءاستفاده از قدرت تحمیل ایدئولوژیک و بی‌عدالتی اجتماعی را با تحلیل انتقادی زبان به‌مثابه کنش اجتماعی در برمی‌گیرد و بر این پیش‌فرض استوار است که تحلیل گفتمان، اطلاعات واضحی از این‌گونه مسائل اجتماعی می‌دهد که تا حد زیادی در زبان شکل گرفته‌اند. در تحلیل گفتمان انتقادی بیش از هر چیز شیوه‌هایی که قدرت، سلطه و نابرابری در متن و گفتار به جریان می‌افتند و بازتولید و ماندگار می‌شوند، در ارتباط با جامعه و سیاست موردبررسی قرار می‌گیرد. به سخن کامل‌تر، تحلیل انتقادی گفتمان به رابطه خاص میان زبان، قدرت، ایدئولوژی و

هژمونیک می‌پردازد. تئو ون دایک^۲ از صاحب‌نظران این حوزه بر رابطه بین گفتمان، قدرت، سلطه و نابرابری اجتماعی متمرکز است. وی با آنکه تلقی بی‌طرفانه‌ای نسبت به ایدئولوژی دارد و در تحلیل گفتمان بر ساختار صوری جمله‌ها و معناشناسی گفتمان‌ها تأکید دارد؛ اما شناخت و کردارهای اجتماعی را متأثر از ایدئولوژی (مثبت یا منفی) می‌بیند. به اعتقاد دایک، ایدئولوژی مبنای نمایانگر گروه‌های اجتماعی است و به این جهت می‌توان پیوند خوبی بین ساختار اجتماعی و ساختار گفتمانی یافت (باتیا و همکاران، ۲۰۰۸: ۱۲). ون دایک گفتمان را دارای سه بعد می‌داند ۱- کاربرد زبان؛ ۲- ارتباط باورها یا شناخت؛ ۳- تعامل در موقعیت اجتماعی. بنابراین تحلیل گفتمان، مطالعه‌ای بین‌رشته‌ای شامل زبان‌شناسی روانشناسی و علوم اجتماعی است. تحلیل گفتمان توصیف منسجمی از این سه بعد است: چگونه زبان بر باورها و تعاملات اثر می‌گذارد؟ یا برعکس چگونه جنبه‌های تعاملات بر کلام اثر می‌گذارند؟ و چگونه باورها زبان و تعاملات را کنترل می‌کنند (ون دایک، ۱۹۹۷: ۲). در این دیدگاه گفتمان همان زبان در بافت موقعیتی و اجتماعی است، شناخت شامل شناخت فردی و اجتماعی و باورها و هر آنچه به گفتمان و تعامل مرتبط است، هست و اجتماع نیز هم خرده ساختارهای جماعتی و هم ساختارهای کلان سیاسی و جمعی را در برمی‌گیرد (بشیر و طاهری، ۱۳۹۴: ۴۰).

فرکلاف نیز با تأیید رابطه میان زبان و قدرت، ایدئولوژی را عامل کلیدی می‌داند که هم در ساختار و هم در رخدادها تولید و بازتولید می‌شود و در پیوند با زبان، گفتمان را می‌سازد. فرکلاف زبان را یک نوع عمل اجتماعی می‌بیند و تحلیل انتقادی گفتمان را تشریح روابط بین گفتمان و کنشگران اجتماعی می‌داند. به نظر او تحلیل انتقادی گفتمان این قابلیت را دارد که هویت‌ها و ایدئولوژی‌های خاص را بیان کند. در این دیدگاه، گفتمان در راستای نظریات روان‌شناسی اجتماعی گفتمان است، زیرا گفتمان یک رسانگر اولیه برای ساخت هویت‌های فردی و اجتماعی است. فرکلاف در تحلیل انتقادی خود یک چارچوب چندبعدی برای بررسی گفتمان ارائه می‌دهد که سه شکل جداگانه تحلیل مرتبط باهم را طراحی می‌کند: ۱- تحلیل گفتمان؛ ۲- تحلیل عملی گفتمان (فرایند تولید توزیع و مصرف متن)؛ ۳- تحلیل وقایع گفتمانی به‌عنوان نمونه‌های عمل فرهنگی اجتماعی (باتیا و همکاران ۲۰۰۸، ۱۲).

لاکلاو و موفه در عین اذعان به رابطه قدرت و زبان در هر گفتمان، معتقدند گفتمان از حوزه فرهنگ و فلسفه به جامعه و سیاست تسری می‌یابد. آن‌ها مرز ضدیتی^۳ (آنتاگونیسم) بین گفتمان‌ها را عامل مفصل‌بندی هژمونیک و غلبه یک گفتمان بر سایر گفتمان‌ها می‌دانند. به اعتقاد آن‌ها، این مرزهای ضدیتی هستند که مرزهای هویتی را شکل می‌دهند و توانایی یا هژمونی گفتمان‌های سیاسی در شکل‌دهی هویتی از طریق این مرزهای ضدیتی مشخص می‌شود (استالی، ۲۰۰۴: ۲۲۶). در حقیقت اگر گفتمانی بتواند امکان تصور جایگزین برای خود را غیرممکن نشان دهد به استیلا و هژمونی سیاسی دست‌یافته و گفتمان عینیت یافته غالب خواهد بود. لاکلاو و موفه^۴ هر گفتمان را شامل یک یا چند نقطه کانونی^۵ یا دال مرکزی، وقته‌ها^۶ و عناصری^۷ می‌دانند که در یک مفصل‌بندی^۸، هویت و معنای خود را عیان می‌سازند (قجری و نظری، ۱۳۹۲: ۵۵ - ۵۳).

در هر صورت هر گفتمان بر سه مفهوم اساسی قدرت، ایدئولوژی و هژمونی یا سلطه فرهنگی استوار است. قدرت شکلی از کنش یا رابطه بین افراد و گروه‌هاست که در هر کنش و واکنشی جابه‌جا می‌شود و هرگز تثبیت‌شده و پایدار نیست (میلز، ۱۳۸۲: ۵۳) و می‌تواند در جهات مختلف از پایین به بالا یا بالا به پایین عمل کند (تاجیک و همکاران، ۱۳۸۷: ۸۸). در مورد حکومت و احزاب، قدرت نه خاصیت یا دارایی، بلکه راهبردهایی است که اعمال می‌شود. ایدئولوژی نافذترین جنبه سیاست است و بدون ایدئولوژی سیاست نیست و بدون سیاست هم ایدئولوژی نیست. ایدئولوژی‌ها برای توصیف پدیده‌ها و واقعیت‌ها نوع خاصی از نظم سیاسی را بر اساس ارزش‌های مقبول و مطلوب خود پیشنهاد می‌کنند و در واقع نظام سیاسی خاصی را تجویز می‌کنند (لعل‌علیزاده، ۱۳۹۳: ۶۵). در حقیقت ایدئولوژی‌ها از یک‌سو با حذف دیگران و ایجاد تمایز، عرصه تعریف را انحصاری و محدود می‌کنند و از سوی دیگر برای توجیه خویش دایره تعریف و عرصه‌ها را گسترده می‌کنند (لعل‌علیزاده، ۱۳۹۳: ۶۳). هژمونی، یعنی سومین رکن گفتمان به نفوذ و تسلط یک گروه اجتماعی بر گروهی دیگر، چنانکه گروه تحت سلطه، با درجاتی از رضایت انقیادشان را می‌پذیرند، اشاره دارد. به اعتقاد گرامشی هژمونی در دو مرحله رخ می‌دهد: اول دوره‌ای که در آن هژمونی فرهنگی یک گروه اجتماعی و ایدئولوژی آن گروه رفته‌رفته تثبیت می‌شود، دوم دوره‌ای که حزب در همکاری با سایر گروه‌ها عمل خواهد

کرد و تا نقطه معینی به علایق آنها احترام خواهد گذاشت و مطالبات آنها را اعطا خواهد کرد (جول، ۱۳۸۸: ۱۱۲).

به‌طور کلی در عصر کنونی که عصر رسانه‌هاست سازندگان هر گفتمان سعی می‌کنند با استفاده از رسانه‌ها و فن‌هایی چون برجسته‌سازی (عرضه کردن آنچه برای خودی بهتر است و پنهان نگه‌داشتن دیگر مسائل)، بازنمایی (استفاده از جنبه‌های مختلف واقعیت مثل افراد، مکان‌ها، اشیاء، اشخاص برای ایجاد هویت‌های فرهنگی و دیگر مفاهیم مجرد. تجلی بازنمایی‌ها ممکن است به‌صورت گفتاری، نوشتاری یا تصاویر متحرک باشد)، بحران‌سازی (ایجاد آشفتگی ناگهانی در اوضاع عمومی)، تسری (همانند و هماهنگ کردن عقیده‌ای با عقیده، سیاست و یا شخص دیگر تا بلکه این عقیده توسط مخاطب پذیرش یا رد شود) فرافکنی (عوامل بیرونی و غیر را علت شکست و خطاهای خود خواندن) ارباب (ترساندن و سست کردن اراده افراد)، کلی‌گویی، نهادها و افراد مورد اعتماد را گواه گرفتن، هم‌رنگی با جماعت و فن‌هایی از این قبیل، مرز ضدیتی گفتمان خود با گفتمان دیگری را شکل دهند. موارد مذکور همگی در راستای بیان و تثبیت دال‌های مرکزی و وقته‌های حول دال مرکزی هر گفتمان عمل می‌کنند. به سخن دیگر هر گفتمان شامل یک یا چند دال مرکزی و چندین وقته است که در یک حوزه گفتمانی^۹ و در ارتباط با یکدیگر مفصل‌بندی شده و در متن‌ها ابراز می‌شوند و در جهت عکس در تحلیل گفتمان، تحلیلگر بر آن است تا نظام و آرایش فرا جمله‌ای عناصر زبانی را در متن‌های مختلف (صوتی، تصویری، مکتوب و رفتاری) کشف و به دال‌های مرکزی هر گفتمان دست یابد. در تحلیل انتقادی توجه خاصی معطوف به قدرت (عامل ایجاد طبقات، ستم و نابرابری‌ها) و طبیعی‌سازی‌های ایدئولوژیکی و هژمونی غالب است؛ البته گفتمان تنها در زبان تجلی نمی‌یابد، بلکه شرایط مختلف زمانی، مکانی، سیاسی اجتماعی فرهنگی اقتصادی و حتی اخلاق و رفتار فردی نیز در ایجاد معنای کامل یک متن دخالت دارند تا تصویری جامع از معنای متن حاصل شود در حقیقت سه سطح متن، کردار گفتمانی و کردار اجتماعی همگی باهم و در کنار هم مفصل‌بندی یک گفتمان را نمایان می‌سازند.

تحقیق حاضر با نظریه و روش تحلیل گفتمان انتقادی مبتنی بر روش نورمن فرکلاف و ون دایک صورت گرفته است. مواد خام تحلیل شامل متن مناظره‌های انتخاباتی و فیلم‌های مستند تبلیغاتی است که مورد تحلیل بینامتنی و بیناگفتمانی^{۱۰} قرار گرفت.

استخراج مضامین و محورهای اصلی گفتمان هر یک از نامزدها بر اساس میزان تکرار و تأکید صریح آن نامزد و تحلیل مفهومی محتوایی دال‌های مرکزی در مقایسه با متون سایر رقبا صورت گرفت. با مقایسه دال‌های مرکزی و وقته‌های گفتمان‌های هر یک از نامزدها، گفتمان‌های متضاد و موافق عرصه سیاست و دال‌های متمایز و مشابه و محورهای گفتمانی مشترک این گفتمان‌ها مشخص خواهد شد.

مفاهیم کلیدی تحقیق شامل موارد زیر است:

تحلیل بینامتنی: تحلیل قطعه‌ها و تکه‌های چند متن در ارتباط با یکدیگر.

تحلیل بیناگفتمانی: توجه به اینکه چه انواع گفتمانی در نمونه‌های گفتمانی تحلیل می‌شوند و چگونه به کار گرفته می‌شوند.

دال مرکزی: نشانه‌ای ممتاز که نشانه‌های دیگر اطراف آن مرتب‌شده‌اند و معنایشان را از ارتباط با آن به دست می‌آورند.

وقته: عناصری که معنایشان درون گفتمان و توسط مفصل‌بندی گفتمان تثبیت شده است.

عناصر: نشانه‌هایی که معنایشان هنوز معنایشان تثبیت نشده و معانی چندگانه‌ای دارند.

مفصل‌بندی: هر عملی که بین عناصر رابطه برقرار می‌کند.

دال شناور: نشانه‌هایی که گفتمان‌های مختلف به شیوه خودشان برای معنا دادن به آن‌ها مبارزه می‌کنند.

مرز ضدیتی: تخصیص معنا به دال‌های شناور و طرد هویت‌ها و معنا‌های تخصیص داده‌شده توسط سایر گفتمان‌ها و ترسیم مرز بین خودی و غیرخودی.

مناظره انتخاباتی: سه جلسه مشترک پاسخگویی نامزدهای انتخابات به پرسش‌های مجری برنامه تلویزیونی که در استودیو شبکه یک سیمای جمهوری اسلامی ایران برگزار و پخش گردیدند.

مستند تبلیغاتی: فیلم‌هایی که به شکل مستند تهیه شده بودند و به معرفی شخصیت، عملکرد و برنامه‌های نامزدها می‌پرداخت.

یافته‌های گفتمانی

در این مطالعه مواد خام تحلیل، فیلم‌های مستند تبلیغاتی و متن‌های پیاده شده سه مرحله مناظره‌های انتخاباتی بوده و از دو نوع تحلیل بینامتنی و بینا گفتمانی بهره گرفته شده است. تحلیل بینامتنی در هر دو مرحله توصیف و تفسیر به کار گرفته شده است که منطبق بر سطوح اول و دوم الگوی فرکلاف (سطح سطح و عمق سطح) هست؛ در سطح اول تحلیل بینامتنی، جملات و عبارات به‌عنوان واحد تحلیل در نظر گرفته شده تا گفتمان در این واحدها نمود یابد و در سطح دوم متن‌ها (جملات و عبارات) در راستای تولید عناصر و وقته‌های گفتمانی تفسیر شدند. در این مرحله با تکیه بر تحلیل بینامتنی هم پس‌زمینه تبلیغاتی نامزدها مشخص گردید و هم عناصر و وقته‌های گفتمانی هر یک از آن‌ها.

در تحلیل بینا گفتمانی که تقریباً منطبق بر سطح سوم الگوی فرکلاف یعنی سطح عمق هست به تبیین گفتمانی درزمینه اجتماعی پرداخته می‌شود و با مشخص کردن دال‌های محوری و مرز ضدیتی گفتمان اصلی نامزدها نمایان می‌گردد.

الگوی کلی تحلیل گفتمان نامزدها سه مرحله‌ای است: در مرحله اول با تحلیل بینامتنی تحلیل مضمونی محتواها در مقایسه با متون سایر رقبا، عناصر اولیه گفتمانی مشخص گردید. در مرحله دوم عناصر اولیه گفتمانی در کنار هم مورد تحلیل بینامتنی مجدد قرار گرفته و با کشف پیوند بین این عناصر پنج نوع مفصل‌بندی در قالب دو راهبرد (تهاجمی / ریسک‌پذیری و محافظه‌کاری) مشخص شد که عبارت‌اند از:

۱. انتقاد از برنامه‌های اجرایی رقبا (راهبرد تهاجمی و ریسک‌پذیری).

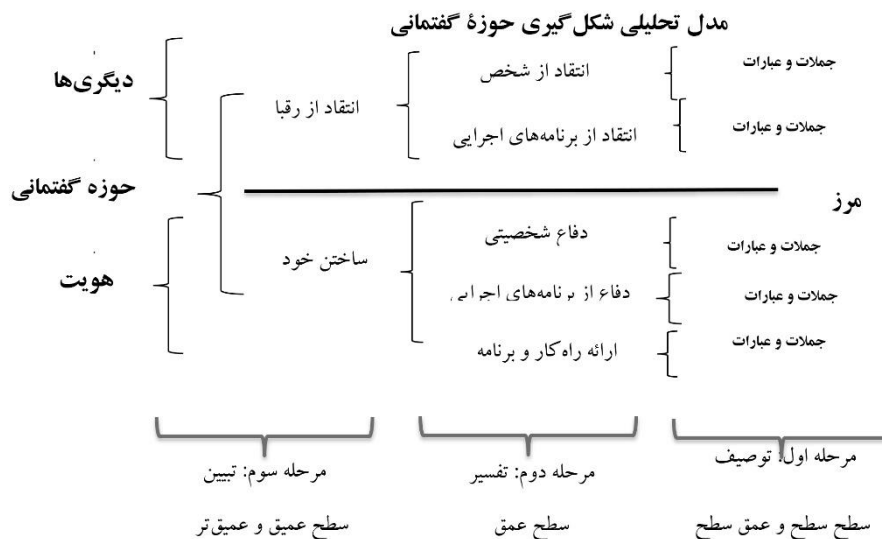
۲. انتقاد از شخصیت و امور شخصی رقبا (راهبرد تهاجمی و ریسک‌پذیری).

۳. دفاع از شخصیت و امور شخصی خود (راهبرد محافظه‌کاری).

۴. دفاع از برنامه‌های اجرایی خود (راهبرد محافظه‌کاری).

۵. ارائه راهکار و برنامه.

در مرحله سوم مفصل‌بندی نهایی با تحلیل بینا گفتمانی مشخص شد در اینجا مضامین و محورهای اصلی بر اساس میزان تکرار و تأکید صریح نامزدها استخراج شد و شامل دو بُعد اساسی انتقاد از رقبا و ساختن خویشتن بود. در حقیقت مرز ضدیتی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری تقابل انتقاد از رقبا و ساختن خویشتن است که در بافت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی گفتمانی هر یک از این نامزدها شکل می‌یابد. پس‌زمینه‌های تبلیغاتی نیز که در تحلیل بینامنتی کشف می‌شوند به‌عنوان معیاری برای تأیید گفتمان در نظر گرفته شده‌اند.



بر اساس مدل بالا و به ترتیب الفبا، خلاصه عناصر و دال‌های گفتمانی نامزدهای انتخاباتی در ادامه می‌آید:

گفتمان انتخاباتی آقا میرسلیم

میرسلیم نه با یک گفتمان قوی، بلکه با یک فن قوی، یعنی فن بحران‌سازی، پرسشگری و انتقاد پوپولیستی به عرصه مناظرات قدم گذاشت. او هرچند خود را بی‌طرف سیاسی می‌داند؛ اما انتقاد و پرسشگری‌هایش بیشتر متوجه روحانی، جهانگیری و دولت

یازدهم بود. به طوری که همه ابعاد از اقتصاد و سیاست تا اجتماع، فرهنگ و مذهب را در برمی گرفت. مهم ترین مسئله سیاسی مورد انتقاد میرسلیم ضعف قدرت سیاسی و دیپلماسی در توافق برجام و تحریم ها و روابط با همسایگان بود. این نامزد از یک سو با اشاره به رباخواری بانک ها و گذاشتن کلاه شرعی بر سر سود سپرده های بانکی و همچنین توجه نداشتن دولت یازدهم به نظر مراجع، سعی داشت چهره غیردینی به این دولت دهد و از سوی دیگر با بیان ضعف دولت در حوزه علمی و فناوری به خصوص مسئله هسته ای و وضعیت پژوهش و معاش قشر فرهنگی معلمان و دانشجویان و همچنین فراقنی تجربیات علمی پژوهشی خود، سعی در جلب اعتماد این گروه ها دارد.

میرسلیم خود را انقلابی و همراه انقلاب و رهبر معرفی می کند و بیان رهبر را فصل الخطاب می خواند و در این راستا عملکرد همه دولت های پس از انقلاب به ویژه دولت دهم در توسعه پارس جنوبی، دولت یازدهم در رفع حاشیه نشینی و حتی عملکرد شخصی آقایان خاتمی و عارف را موفق می داند و با این تأیید، رنگ دلسوزانه ای به انتقادات خود می دهد. او با آگاهی از تفکر سیاسی قبیله ای و طایفه ای حاکم بر کشور، با استناد به موارد عامیانه چون رفتار مأموران ترکیه با زنان ایران، استناد به کتاب ها و فیلم ها و... ضعف های دولت را برمی شمارد. تکیه بر فهم عامیانه مردم تا جایی است که این نامزد از بیان اصطلاحات رکیک به نقل از دولت ابایی ندارد. میرسلیم مرز تضادی مشخصی با سایر نامزدها ندارد و علیرغم ادعای استقلال و انتقاد از عملکرد دولت یازدهم، به استثنای بحث آمایش سرزمینی و مدیریت آب، خودش برنامه منسجمی ارائه نمی دهد و به طور فهرستی به ۹ مورد اشاره می کند: ۱. اجتناب از اشرافی گری و تجمل؛ ۲. آموزش و پرورش؛ ۳. بهداشت و درمان (سلامت روانی و جسمی)؛ ۴. ارتقاء سرمایه اجتماعی (با مشارکت، اعتماد و نظارت)؛ ۵. رفع فقر و بیکاری (با اقتصاد مقاومتی)؛ ۶. رفع اعتیاد (معتادان بیمار و سوداگران مجرم هستند)؛ ۷. اصلاح فساد اداری (با نظارت عمومی)؛ ۸. رفع حاشیه نشینی (با آمایش سرزمینی)؛ ۹. حفاظت از محیط زیست (بر اساس شناخت و تجربه).

میرسلیم هرچند اوضاع کنونی کشور را نامطلوب می داند؛ اما امیدوار است. از این رو زنجیره هم ارزی^{۱۱} میرسلیم مردم ایران است، مردمی متدین، نقدپذیر، قانون گرا و شاداب که به فضل الهی مدینه فاضله (اصطلاحات مورد تأکید میرسلیم) را خواهند ساخت.

جدول (۱) جمع‌بندی مراحل تحلیل گفتمان آقای میرسلیم

گفتمان	دال مرکزی	وقته‌های اصلی	عناصر
عدم گفتمان منسجم	انتقاد از عملکرد دولت یازدهم	سیاست دولت یازدهم	ضعف قدرت سیاسی و دیپلماسی در برجام و تحریم‌ها، روابط با کشورهای همسایه‌ها، قرارداد استعماری ipc
		اقتصاد دولت یازدهم	فساد مالی اداری دولتمردان، رانت‌خواری، فقر، تورم، رکود، اختلاس، وام‌ها و حقوق و امکانات نجومی، خام فروشی نفت، قاچاق کالا، مشکل بانک‌های دولتی (صادرات، تجارت، ملت)، افزایش نقدینگی، مشکل مسکن جوانان، اشرافی‌گری دولت
		اجتماعی	مسائل خانواده، اعتیاد، طلاق، افزایش فاصله طبقاتی و نابرابری، جرائم - سلامت جسم و روح افراد
		فرهنگی	سبک زندگی ایرانی، هویت ایرانی، مشکلات فرهنگیان و آموزش و پرورش، ضعف آموزش عالی، بیکاری مخترعین و دانشمندان هسته‌ای، ضعف مردم‌سالاری دینی و امر به معروف و نهی از منکر، عدم صداقت و پاسخگویی دولت، عدم توجه به نظر مراجع دینی

۲- گفتمان انتخاباتی جهانگیری

جهانگیری با راهبرد بهره‌گیری از فرصت‌ها، با صراحت از موضع اصلاح‌طلبی خود دفاع کرد. او هرچند در برنامه تبلیغاتی به بساخت گفتمان خاصی اهتمام نوریذ؛ اما در کنار دفاع از دولت تدبیر و امید روحانی، از گفتمان اصلاح‌طلبی حامی دولت یازدهم دفاع کرد و بر پیوند دولت یازدهم با این جریان سیاسی و تداوم آن در دولت دوازدهم اصرار داشت. در حقیقت گرایش اصلاح‌طلبی جهانگیری مرز ضدیتی این نامزد با سایر نامزدها به‌ویژه قالیباف، رئیسی و میرسلیم را شکل می‌داد. هرچند هاشمی طبا و روحانی در مخالفت با جهانگیری نبودند؛ اما به صراحت موضع اصلاح‌طلبی اتخاذ نکردند. جهانگیری در قطب مخالف قالیباف گفتمان اصلاح‌طلبی خود را در انتقاد از دولت نهم و دهم و سه نامزد رقیب یعنی میرسلیم، رئیسی و قالیباف و حمایت از اقدامات دولت یازدهم تقویت می‌کند. به دلیل حمله سایر نامزدها به عملکرد شخصی جهانگیری، این نامزد بخش فراوانی از بیاناتش را به دفاع شخصیتی از خود اختصاص داد و در این راستا تأیید رهبری و رئیس‌جمهور را به‌عنوان گواهی برای دفاعیه خود به کار گرفت. جهانگیری تلاش نمود تا با وعده‌های

آزادی و برجام، سعی در سوق دادن جامعه به سوی رشد عقلانی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دهد. او برجام را نمونه بارزی از پیروزی بین‌المللی تلقی می‌نمود و اصلاح‌طلبی خود را در ابعاد توسعه سیاسی، توسعه اجتماعی، رشد اقتصادی و تغییر و در پیوستگی با فرهنگ ایرانی - اسلامی و آرمان‌های انقلاب، امام و رهبری متمرکز کرد.

دوقطبی اصلاح‌طلبی - ماجراجویی (و نه اصولگرایی)، آزادی - محدودیت، عزت بین‌المللی - انزوا، آرامش - تنش در ادبیات این نامزد برجسته است. به‌طور نمونه جهانگیری یکی از دستاوردهای مهم دولت یازدهم را تبدیل ایران هراسی به ایران دوستی می‌داند. او علاوه بر بیان صریح ضعف‌های نامزدهای رقیب و عملکرد منفی دولت قبلی به‌طور تلویحی به جریان‌اتی خارج از دولت‌ها اشاره دارد که مانع اجرای برنامه‌های دولت یازدهم بوده‌اند. جهانگیری درحالی‌که دوقطبی ۴ - ۹۶ درصدی قالیباف را رد می‌کند؛ اما به‌طور ضمنی اشاره به ۴ درصدی بودن نامزدهای جریان سیاسی مخالف (اصولگرا) خصولتی‌ها (گروه‌هایی که با رانت دولتی بخش خصوصی را تصرف کرده‌اند) دارد. او در هم‌رنگی با جماعت موضع بدبینانه‌ای نسبت به آمریکا ابراز می‌کند.

زنجیره هم‌ارزی جهانگیری مردم ایران اعم از زن و مرد، جوانان و اقوام مختلف است.

جدول (۲) نتایج تحلیل گفتمان جهانگیری

گفتمان	دال مرکزی	وقته‌های اصلی	عناصر
اصلاح طلبی	انتقاد از جریان اصول‌گرا	انتقاد از عملکرد اقتصادی دولت‌های نهم و دهم	افزایش بیکاری، رشد منفی اقتصادی، افزایش قاچاق کالا، نظام بانکی ناکارآمد، انتقاد از یارانه‌ها، انتقاد از خصولتی‌ها
		انتقاد از برخورد سیاسی دولت‌های نهم و دهم	برخورد نامناسب با خواص سیاسی، محروم کردن جریان اصلاح‌طلبی، برخوردهای قضایی و امنیتی با فعالان سیاسی
		انتقاد از سه نامزد رقیب منتسب به اصولگرا	رئیس: بی‌برنامگی، عدم دیپلماسی، نداشتن تخصص سیاسی، وعده توخالی، برخورد قضایی و غیرعلمی، انتقاد از سه برابر کردن یارانه‌ها، عدم رضایت مردم از بانک‌ها و دستگاه قضایی. قالیباف: دروغ‌گویی، رانت‌خواری، غیراخلاقی بودن، املاک نجومی، برخورد گازانبری، ۴ درصدی بودن، حمله به سفارت عربستان، عدم رضایت مردم از شهرداری، اختلاس بانکی، برخورد با دست‌فروش‌ها، بی‌تجربگی و ناپختگی میرسلیم: اطلاعات ناقص.
	دفاع از جریان اصلاح‌طلبی	دفاع از اصلاحات	جریان آگاهی‌بخش به مردم، انقلابی بودن، مبتنی بر تفاهم و گفت‌وگو، فرهنگ صلح و مدارا، قدرت مردم، خواهان توسعه ایران
		دفاع از جریان اصلاح‌طلبی	بازگشایی خانه احزاب، فرصت نقد، آزادی مطبوعات و NGO ها، فضای مجازی، توفیق برجام، حذف تحریم‌ها، دفع ایران هراسی، دیپلماسی رسمی و عمومی، کاهش و کنترل قاچاق کالا، تراز مثبت صادرات به واردات، ثابت نبودن قیمت ارز، طرح تحول نظام بانکی، ایران‌دوستی، برنامه فقرزدایی، رشد اقتصادی ۸ درصدی، برنامه مسکن، دولت الکترونیک و شفاف‌سازی، احترام به قشر فن‌سالار، انسجام داخلی و بنیه دفاعی، محیط‌زیست، تأکید بر سند ۲۰۳۰، حفظ زبان مادری، احترام به اقوام، هنرمندان و دانشگاه‌ها، سرمایه اجتماعی، اعتمادسازی بین بزرگان نظام، تأکید بر مردم، قانون‌گرایی، تغییر‌گرایی، علمی بودن، واقع‌بین، اقتصاد مقاومتی.
		سیاسی - اقتصادی - توسعه اجتماعی	

۳- تحلیل گفتمان انتخاباتی روحانی

روحانی در تداوم گفتمان تدبیر و امید که در دوره یازدهم عنوان نمود، به دفاع گفتمانی پرداخت. روحانی با به‌کارگیری ترکیب‌های وصفی و همچنین اصطلاحات امیدبخش نظیر الحمدالله و ان‌شاءالله سعی در القاء امید و آرامش و جلب نظر رأی‌دهندگان داشت. روحانی بر همین مبنا مرز ضدیتی خود با سایر نامزدها حتی جهانگیری (معاون اول و یار پوششی انتخاباتی‌اش) را مشخص کرد. او گفتمان تدبیر و امید خود را متمایز از اصلاح‌طلبی جهانگیری و در تقابل با اصولگرایی پوپولیستی قالیباف و رئیسی و توسعه‌پایدار هاشمی طبا بر ساخت نمود. روحانی با انتقاد و حمله به دو رقیب اصلی خود، یعنی قالیباف و رئیسی، انتقاداتش را در پنج بعد بیان کرد:

- ۱) مشکلات ساختاری که کل جامعه را درگیر کرده است، نظیر خصولتی‌ها در اقتصاد که حامی امنیتی و سیاسی دارند، محدودیت‌های سلیقه‌ای غیرقانونی، تضعیف سرمایه اجتماعی از سوی رسانه‌ها، ایجاد فاصله بین نظام و مردم.
- ۲) انتقاد از قوه قضاییه (جایی که رئیسی با آن پیوند قوی دارد و نماینده آن است).
- ۳) انتقاد از عملکرد دولت نهم و دهم با تخریب عزت نفس مردم، بهداشت، ثبات نداشتن بازار، حراست نکردن از اموال مردم، هزینه دور زدن تحریم‌ها و مجوز مؤسسات مالی غیرمجاز.
- ۴) انتقاد از بی‌برنامگی نامزدها (در بحث ایجاد اشتغال و افزایش یارانه و از بین بردن فقر) و کارشکنی‌های آن‌ها در مذاکرات برجام و در انجام وظایف دولت.
- ۵) انتقاد از عملکرد شخصی آقایان قالیباف (فساد مالی، املاک نجومی، غیراخلاقی بودن، برخورد با دانشگاهیان و وعده‌های بی‌اساس)، رئیسی (بی‌اطلاعی از مسائل قانونی، حقوق هسته‌ای، ضعف برخورد با اختلاس گران، فساد رفتاری، نگرش ارتجاعی و استفاده نامطلوب از باورهای دینی مردم) و میرسلیم (اطلاعات نادرست).

روحانی در بخش دفاع گفتمانی با تکنیک مظلوم‌نمایی و انتقاد از بی‌مهری و جفاکاری‌های دولت در سایه (به‌واسطه قدرت قضایی، رسانه‌ای و نظامی قدرتمندان دولت

سایه)، با دفاع از عملکرد دولت یازدهم در زمینه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و بین‌الملل، برنامه‌های دولت دوازدهم را در افزایش امید، نشاط در جامعه، شفاف‌سازی اقتصادی، اصلاح ساختار اقتصادی به‌ویژه نظام بانکی، رفع نابرابری‌های اجتماعی و فساد اجتماعی، برنامه‌های فقرزدایی و ایجاد اشتغال از طریق توریسم، حقوق شهروندی و برابری جنسیتی، قومیتی و اقلیتی، تأکید بر قدرت دیپلماسی و جنگ ستیزی، حذف تحریم‌ها و قانون‌گرایی خلاصه می‌کند. او با فن طرح دوقطبی‌های مثبت و منفی فرافکنی مثبتی از گفتمان خود در اذهان ایجاد می‌کند، توانمندسازی را در برابر انحصارگری و مداخله‌گری، مردم‌سالاری را در برابر مدیریت آمرانه و راه مردم و امید در مقابل بازگشت به قبل از ۹۲. روحانی باور داشت که دولت یازدهم، همان دولت موردنیاز جمهوری اسلامی ایران است زیرا پیشرفت در اقتصاد، رونق کسب‌وکار و ایجاد اشتغال در سطح کشور نیازمند عادی‌سازی روابط با همسایگان و مجامع بین‌المللی است و دولت توانایی بسیار بالایی در روابط خارجی و بین‌المللی دارد. هرچند دولت‌های قبلی اشتباهاتی کرده‌اند ولی در دولت تدبیر و امید با جبران خطای آنان، مجامع بین‌المللی دیگر سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران را قبول می‌کند و این دولت به‌اندازه تمام دولت‌های قبلی خود برای بهبود روابط بین‌المللی چه در برجام و چه با همسایگان تلاش خود را به‌کار گرفته و موفق نیز شده است. این نامزد انتخاباتی با فن فرافکنی مخالفان برجام (قالیباف و رئیسی) را هم‌ردیف اسرائیل و آمریکا و دشمن مردم ایران قرار می‌دهد. او همچنین در دفاعیات شخصی، خود را دیپلماتی قانون‌گذار، باسواد، صادق، ساده‌زیست، علمی و به‌دوراز فساد مالی می‌خواند. زنجیره هم‌ارزی روحانی همه مردم ایران به‌ویژه زنان، جوانان و دانشجویان هستند، همچنین روحانی به رهبری، رزمندگان و خانواده‌های شهدا هم اتکای فراوان دارد.

جدول (۳) جمع‌بندی مراحل تحلیل گفتمان روحانی

گفتمان	دال مرکزی	وقته‌های اصلی	عناصر
تدبیر و امید	امید و نشاط	عملکرد مثبت دولت یازدهم	کاهش معوقه‌های دولت به بانک‌ها و نظارت بر بانک‌ها، حمایت‌های بیشتر برای مددجویان کمیته امداد و بهزیستی و اقشار کم‌درآمد، رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری، برنامه‌های زیست‌محیطی و کشاورزی، حمایت‌های بهداشتی، اجتماعی و روانی از خانواده‌ها، توافق هسته‌ای و رونق بازار نفت ایران، طرح تحول سلامت، افزایش قدرت نظامی و بین‌المللی ایران.
		مظلوم واقع شدن دولت یازدهم	کارشکنی‌های رسانه‌های ملی دولتی، عدم همراهی قوه قضاییه، عدم هماهنگی نیروهای نظامی با دولت، بدنام کردن دولت با اعمال سلیقه‌های فردی به نام دولت.
		برنامه‌های امیدبخش دولت دوازدهم	افزایش امید و نشاط در جامعه، آزادی رسانه‌ها، مالیات‌بندی عادلانه، دولت الکترونیک و شفاف‌سازی مالیات و واردات، اصلاح نظام بانکی، ایجاد اشتغال و افزایش درآمد اقشار محروم، نشاط اقتصادی، توسعه سیاسی و مدنی، برقراری حقوق شهروندی و برابری جنسیتی، قومیتی و اقلیتی، حذف تحریم‌ها، افزایش قدرت دیپلماسی دوری‌گزینی از جنگ، افزایش سرمایه‌گذاری نفتی و کاهش اتکا به درآمدهای نفتی، توجه بیشتر به خانواده‌های شهدا.

۴- گفتمان انتخاباتی رئیسی

رئسی در مناظرات و برنامه‌های تبلیغاتی خود در پی پردازش گفتمان دینی - مردمی بود تا جایی که به‌طور صریح برنامه‌های خود را در قالب دولت مهدوی یا دولت کار و کرامت بیان می‌کرد. از این‌رو مرز ضدیتی خود با سایر نامزدها را بر مردم محوری و توجه ویژه به اقشار محروم جامعه قرارداد. رئیسی همچنین در راستای دولت پیشنهادی خود، یعنی دولت مهدوی نسبت به سایر نامزدها آرامش بیشتری از خود نشان می‌داد و از تخریب شخصیت رقبای خودداری می‌کرد از این‌رو نوک پیکان انتقاداتش برنامه‌های دولت یازدهم بود نه دولتمردان آن. حتی در برخی موارد از تلاش‌های دولت یازدهم تشکر می‌کرد تا دلیلی بر عدم غرض‌ورزی و عناد کلامش باشد. او با بیان مشکلات عمومی جامعه از جمله فقر، عقب‌ماندگی روستاهای دورافتاده، پوشش مشکلات عشایر ایران و توجه نکردن به مسکن مهر، این پیام را به مخاطبان خود می‌داد که در صورت پیروزی دولت تدبیر و امید نه تنها این مسائل حل نخواهد شد، بلکه بیشتر خواهد شد. رئیسی با آنکه برخی عملکردهای دولت نهم و دهم همچون مسکن مهر را تأیید می‌کرد دولت مهدوی را جدای از دولت

دهم و نهم می‌دانست، دولت مهدوی دولتی است که در آن شهروندان در برابر قانون یکسان هستند (روحانی و غیرروحانی تفاوت ندارد)، شهروند درجه دو و سه وجود ندارد، آزادی‌های سیاسی و مدنی وظیفه دولت است، فراجناحی است، حفاظت از محیط‌زیست و توسعه اقتصادی را در اولویت قرار می‌دهد و حقوق الهی مردم را تأمین می‌کند.

دال مرکزی گفتمان دینی - مردمی رئیسی، دولت مهدوی، حقوق الهی و حکومت الهی است. حقوق الهی اساساً مرتبط با کاهش فقر و فاصله طبقاتی در حوزه داخلی و عزت ملی در حوزه بین‌المللی است و دولت با برقراری عدالت و دیپلماسی عزتمندانه از این حقوق محافظت خواهد کرد. رئیسی به‌عنوان ایده پرداز دولت مهدوی ادبیات عامیانه دینی و اقوام پسندی را به کار گرفت تا بی‌نظمی مطالب و جملات گفتاری‌اش را از نظر دور کند. با آنکه هسته اصلی انتقادات رئیسی به دولت یازدهم، مذاکرات برجام و فروش نفت خام بود و از جمله برنامه‌های اصلی‌اش گرفتن مالیات و کاهش وابستگی به نفت بود اما در برنامه‌های پیشنهادی خود به اقتصاد نفتی متکی بود تا جایی که ایجاد پالایشگاه‌ها و افزایش یارانه‌ها و دادن نقدینگی و تسهیلات (از پول نفت، گاز و برق) را منبع اصلی ایجاد اشتغال و از بین بردن فقر لحاظ می‌کرد.

رئیسی که از سوی رقبا مورد تحقیر (بی‌اطلاعی از سیاست و غیردانشگاهی بودن) واقع شده بود با توسل به بحث اخلاق‌گرایی و تأکید بر بهره‌گیری از نظرات کارشناسان علمی در برنامه‌هایش، به مقابله با رقبا پرداخت و با اشاره به بی‌قدرتی دولت و این ادعای دولت یازدهم که «باید بشود، ولی مقدور نیست» به‌طور ضمنی خود را دارای قدرت بازدارنده در مقابل دولت نمایان می‌ساخت. گویی دولت بی‌قدرت و اختیار است و آن دیگری که قدرتمند و مختار است جریان فکری حامی رئیسی است. سایه این دیگری قدرتمند در ادبیات او نیز به‌وضوح مشخص بود (جایی که بر شخص خود تأکید داشت و استدلال‌های شخصی خود را با بنده، خودم و عرض من عنوان می‌کرد). او درحالی‌که از تقوا، خداترسی، تکلیف، توحید، جامعه اسلامی و هویت دینی سخن می‌گفت از به‌کارگیری اصطلاحاتی چون گلابی برجام، قرون، حواله دادن تا دست در جیب مردم کردن و زیر عمامه‌ای ابایی نداشت و ادبیات دینی و عامیانه مختص خود را به نمایش گذاشت. او توجه خاصی به اقشار ضعیف شهرهای کوچک، قومیت‌ها و مرزنشین‌ها داشت و در گفتارش به ملاقات‌های مردمی استناد می‌نمود. زنجیره هم‌ارزی او مردم محروم، فقیر، بیکار

و جوانان، مددجویان کمیته امداد و بهزیستی بودند. او برخلاف سایر نامزدها به گواهی رهبر و انقلاب متکی نبود و خود را صاحب قدرت می‌دانست.

جدول (۴) نتایج تحلیل گفتمان رئیسی

گفتمان	دال مرکزی	وقته‌های اصلی	عناصر
کار و کرامت	دولت مهدوی	عملکرد منفی دولت یازدهم	پرخرج بودن دولت یازدهم، دیپلماسی غیر عزتمندانه، عملکرد منفی در مورد یارانه‌ها و طرح تحول سلامت، عدم شفاف‌سازی و عدم پیشرفت دولت الکترونیک، اشرافی‌گری دولت، عدم موفقیت در برجام، شعارگرایی.
		حقوق الهی مردم	توانمندسازی مردم، رابطه مسئولین با مردم، اعاده حق محرومان.
		حکومت الهی	مبارزه با فساد ساختاری اداری اقتصادی، کاهش فقر و فاصله طبقاتی، برقراری عدالت اجتماعی، دیپلماسی عزتمندانه و همکاری با کشورهای اسلامی، آزادی سیاسی و مدنی، حقوق شهروندی.
		استقلال جناحی	فاصله‌گیری دولت‌های دهم و نهم، انتقاد از دولت یازدهم، عدم استناد به حمایت رهبری و انقلابیون، تأکید بر عملکرد موفق شخصی.
		بهبود معیشت مردم	افزایش یارانه‌ها و دادن نقدینگی، دادن تسهیلات.
رشد اقتصادی بدون نفت		گرفتن مالیات، ایجاد آموزشگاه و جلوگیری از خام‌فروشی نفت، صادرات به همسایگان، مبارزه با قاچاق کالا، رشد کشاورزی و صنعت، کنترل واردات.	

۵- گفتمان انتخاباتی قالیباف

قالیباف سعی داشت در برنامه‌های تبلیغاتی خودبین ظاهر فیزیکی خود و برنامه‌های انتخاباتی‌اش پیوندی برقرار سازد (چنانکه در شعارهای هوادارانش به موهای طلایی و جوانی او اشاره می‌شد) و گفتمان مدیریت مدرن مردمی را شکل دهد. باین‌حال بخش اعظم گفتمان او به برجسته‌سازی و برجسب‌زنی‌ها به دولت یازدهم و نامزدهای آن اختصاص یافت. در حقیقت قالیباف می‌خواست با انتقاد از رقبا و ارائه تصویری منفی از آن‌ها، با فراقکتی تصویر مثبتی از خود بنمایاند. ازاین‌رو گفتمان مدیریت مدرن مردمی گفتمانی شکستنی - ساختنی است که در دو طرف مرز ضدیتی قوی نه بر یک دال، بلکه بر دو دال مرکزی تأکید دارد. در بخش شکستن (سلبی) قالیباف با فن برجسب‌زنی دولت یازدهم را دولت ۴ درصدی‌های مرفه معرفی کرد که بارانت خواری، فساد مالی - اداری، قانون‌گریزی و حقوق‌های نجومی و هزینه‌های دولتی بالا، ۹۶ درصد مردم را به استضعاف

و محرومیت کشانده‌اند. در این راستا با فن برجسته‌سازی و استناد به موارد خاص قانون‌گریزی و تخلفات مالی دولتمردان دولت یازدهم و یا وابستگان آن‌ها تصویر منفی از این دولت می‌سازد.

قالیباف در ساخت گفتمان مدیریت مدرن مردمی، بیشتر به فقر و محرومیت اقشار محروم جامعه می‌پردازد و با وعده ایجاد اشتغال و افزایش یارانه این قشر و تکرار محرومیت و مظلومیت آن‌ها چهره‌ای مردم محور به برنامه‌هایش می‌دهد. این نامزد انتخاباتی در ضدیت و اصلاح ساختار فاسد مالی اداری دولت یازدهم، دولت الکترونیک، شفاف‌سازی، شایسته‌سالاری و تمرکززدایی را اساس الگوی مدیریت مدرن خود معرفی می‌کند.

زنجیره هم ارزی و گروه هدف برنامه‌های قالیباف مردم فقیر و محروم، اقلیت‌های قومی و زنان هستند.

جدول (۵) جمع‌بندی مراحل تحلیل گفتمان قالیباف

گفتمان	دال مرکزی	وقته‌های اصلی	عناصر
مدیریت مدرن مردمی	عدم کارایی دولت یازدهم	نابرابری شدید اقتصادی	شکاف طبقاتی، دوقطبی ۴-۹۶ درصدی مرفهان دولتی، مردم محروم مظلوم
		ضعف دولت یازدهم	رانت خواری و فساد مالی اداری، پرخرجی دولت، بی‌قدرتی سیاسی اقتصادی، ضعف مدیریت سنتی، تجمل‌گرایی دولت، عدم شفافیت.
		فساد دولتی	فساد مالی وابستگان دولتمردان، قانون‌گریزی دولتمردان، حقوق‌های نجومی.
		مسائل اقتصادی	فقر، تورم، بیکاری.
		بی‌اخلاقی دولتمردان دولت یازدهم	دروغ‌گویی، سیاسی‌کاری، عدم صداقت، عدم انتقادپذیری.
	مدیریت مدرن مردمی	مدیریت مدرن	شایسته‌سالاری، دولت الکترونیک و شفاف‌سازی، تمرکززدایی مدیریتی و قومیتی، انسجام ملی، سامانه ملی کار، مدیریت مدرن، ایجاد وزارت امور خارجه و تجارت بین‌الملل.
		مردم‌گرایی	تأکید بر نیروهای داخلی، حمایت از قشر محروم و مظلوم، تأکید بر حقوق شهروندی، حمایت از اقلیت‌ها و زنان.
		رونق اقتصادی درون‌زا	ایجاد اشتغال، حمایت از تولید داخلی، افزایش یارانه.

۶- گفت‌وگوهای انتخاباتی هاشمی‌طبا

هاشمی‌طبا انتقادات و برنامه‌های خود را درون گفت‌وگوهای توسعه بیان کرد که دال مرکزی آن توسعه پایدار اجتماعی - اقتصادی است و وقتهای واقع‌بینی مدیریتی، میهن‌پرستی ایرانی - اسلامی، جهانی‌گرایی، نگرش تاریخی - علمی و توسعه اجتماعی، توسعه زیست - محیطی، اخلاق‌گرایی آن را مفصل‌بندی نموده‌اند.

هاشمی‌طبا در گفت‌وگوهای توسعه بیشتر بر روابط مسالمت‌آمیز سیاسی اقتصادی بین‌المللی تأکید دارد و ترجیح می‌دهد در قبال مسائل داخلی هرچند از اقدامات دولت تدبیر و امید حمایت می‌کند، ولی خود را منتسب به آن نمی‌داند و با نگاه توسعه‌جویانه از جناح‌بندی‌های سیاسی دوری می‌گزیند.

در همین راستا او در حوزه گفت‌وگوهای گونگی از دولت و مسئولان دولتی به‌طور عام و دولت‌های نهم و دهم به‌طور خاص انتقاد دارد. این انتقادات شامل انتقاد از عملکرد دوگانه و متضاد رسانه، برنامه ششم توسعه، ساختار بوروکراتیک و دولت الکترونیک، اولویت‌بندی نکردن برنامه‌ها و صلاحیت نداشتن مسئولان است. هاشمی‌طبا در جریان شکل‌دهی گفت‌وگوهای خود خیلی کم به انتقادهای شخصی (چند مورد به چالش کشیدن آقای میرسلیم و قالیباف) و یا دفاع شخصیتی پرداخت و با انتقاد از عملکرد دولت به‌طور عام و خاص (دولت نهم و دهم و وعده‌های غیرعملی و غیرمنطقی سایر رقبای انتخاباتی) و ارائه برنامه‌های توسعه‌ای گفت‌وگوهای توسعه پایدار اجتماعی - اقتصادی را شکل داد. در این گفت‌وگوهای توسعه روابط سیاسی - اقتصادی بین‌المللی، حفظ محیط‌زیست و منابع طبیعی، توانمندسازی و آموزش‌های اجتماعی - فرهنگی، مهم‌ترین راهکارهای پیشنهادی هستند.

زنجیره هم‌ارزی و مخاطبان اصلی هاشمی‌طبا مردم انقلابی ایران اسلامی، جامعه دانشگاهی و علمی کشور است. هاشمی‌طبا در مناظره‌های تبلیغاتی به‌دوراز کلی‌گویی، بحران‌سازی، برچسب‌زنی و ارباب‌سعی نمود با فن‌گواهی و منتسب نمودن خود به انقلاب، رهبری و ملت ایران از ملی‌گرایی اسلامی انقلابی حمایت کند و همچنین با استناد به آمارها و اصطلاحات تخصصی اشراف علمی و صحت‌گفته‌هایش را تأیید نماید.

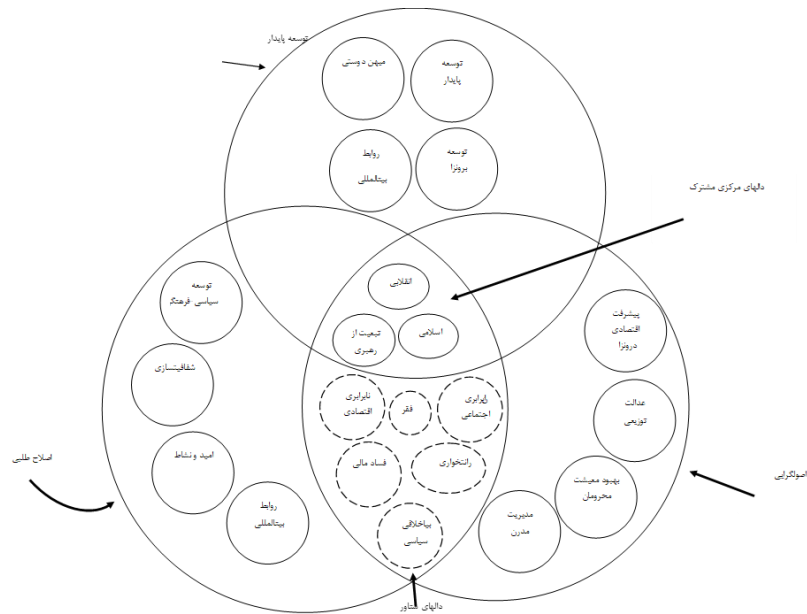
جدول (۶) جمع‌بندی مراحل تحلیل گفتمان هاشمی‌طبا

گفتمان	دال مرکزی	وقته‌های اصلی	عناصر
توسعه	توسعه پایدار اجتماعی - اقتصادی	میهن پرستی ایرانی - اسلامی	ارزش‌های نظام، رهبری، امام خمینی، شهدا، انقلاب، دفاع مقدس و مدافعین حرم ملی‌گرایی، امنیت ملی، انسجام داخلی و حفظ مرزهای جغرافیایی، شکوه ایرانی و میراث گذشتگان، اسلام و قرآن، فرهنگ ارتباطی اسلامی، استناد به هنر و ادبیات فارسی.
		جهانی‌گرایی	دیپلماسی بین‌المللی مثبت و عدم مداخله نظامی در سایر کشورها، روابط اقتصادی بین‌المللی (صادرات انرژی و کالا و خدمات مهندسی در کشورهای همسایه)، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، حل مسئله تروریست و وقایع منطقه.
		توسعه اجتماعی	اجرای برنامه آموزشی ۲۰۳۰، تقدم منافع کلی کشور بر منافع فردی، بها دادن به کارآفرینان و سرمایه‌گذاران، زیرساخت فناوری، توجه به نسل‌های آینده و توانمندسازی افراد، توجه به مسائل فرهنگی، سبک زندگی و اعتمادسازی در جامعه.
		توسعه زیست - محیطی	حفظ محیط‌زیست و منابع طبیعی، آمایش سرزمینی.
		تگرش تاریخی - علمی	اولویت‌بندی و نظم علمی - اجرایی، توجه به علت مسائل نه معلول‌ها، تگرش ساختاری، توجه به پیامدهای درازمدت و اجتناب از ساده‌بینی، رصد کردن وضعیت سایر کشورها، بها دادن به جامعه علمی، استناد به آمار و ارقام رسمی.
		واقع‌بینی مدیریتی	محدودیت منابع دولتی، تغییرات بازار کار و اشتغال، منابع تأمین مالی و هزینه‌های دولت، پیامدهای منفی افزایش یارانه، عملکرد منفی وزارت علوم.
		اخلاق‌گرایی	

نتیجه گیری

با وجودی که به اعتقاد برخی صاحب نظران سه گفتمان عدالت، آزادی و توسعه، گفتمان‌های اصلی حاکم بر جریان‌ات سیاسی کشور ایران هستند. هرچند که در دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری بالفعل‌ترین و نمادین‌ترین عامل خود را از نظر اجتماعی در دسترس نداشتند (امینی، ۱۳۹۶)؛ اما شاید استیلای گفتمان انقلاب و اسلام فراتر از سه گفتمان مذکور باعث همگرایی شدیدی بین این گفتمان‌ها گشته و نمی‌توان به‌طور قطع از وجود گفتمان‌های رقیب یا متمایز سخن راند.

شکل (۱) حوزه‌های گفتمان‌های رقیب در دوازدهمین انتخابات ریاست جمهوری ایران



در حقیقت در رقابت‌های انتخابی دوازدهمین دوره ریاست جمهوری سه تفکر یا گفتمان به رقابت پرداختند: اصول‌گرایی اصلاح‌طلب، اصلاح‌طلبی اصول‌گرا و توسعه پایدار. قالیباف و رئیسی با کمک پرسشگری تخریبی، آقای میرسلیم گفتمان اصول‌گرایی اصلاح‌طلبانه خاص خود را پیش کشیدند. روحانی در سایه دفاع محکم و منسجم جهانگیری از اصلاح‌طلبی، به گفتمان اصول‌گرایانه تدبیر و امید خود توسل جست و هاشمی طبا بدون داشتن عقبه سیاسی قوی و با عشق به سرزمین و مردم ایران در حوزه گفتمانی توسعه پایدار اجتماعی وضعیت

موجود کشور را به نقد کشید هرچند هاشمی‌طبا نیز متأثر از گفتمان عمومی غالب، بر میهن‌پرستی ایرانی - اسلامی تأکید داشت؛ اما به‌درستی با نگرشی جهانی - ارتباطی و تاریخی علمی و با واقع‌بینی مدیریتی و اخلاق‌گرایی به مسائل توسعه‌ای کشور، به‌ویژه توسعه پایدار اجتماعی فرهنگی و زیستی پرداخت. با این حال به‌رغم اینکه گفتمان توسعه پایدار می‌توانست بیشترین کارایی مثبت را برای شرایط کنونی کشور داشته باشد، به دلیل ضعف قدرت سیاسی زنجیره هم‌ارزی (جامعه دانشگاهی) این نامزد و کمتر ایدئولوژیک بودن، این گفتمان نتوانست به قدرت کافی برای رقابت دست یابد.

مثلث رئیسی (با محوریت رئیسی در قاعده مثلث) قالیباف و آقا میرسلیم (یاران پوششی رئیسی) با انتقاد از نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی، فساد مالی و بی‌اخلاقی دولتمردان مرز ضدیتی خود را در برقراری عدالت و حمایت از اقشار ضعیف و محروم کشیدند. رئیسی با انسجام بیشتر، چنانکه در گفتار و کردار شخصی نیز به نمایش می‌گذاشت گفتمان عدالت‌طلبی کار و کرامت را رهبری می‌کرد و خواهان احقاق حقوق الهی مردم و بهبود معیشت آنان و برقراری حکومت عدل الهی بود. قالیباف با انتقاد از دولت ۴ درصدی‌ها، به دفاع از حقوق ۹۶ درصد مردم محروم برخاست و مدعی بود که با مدیریت مدرن (نه همچون احمدی‌نژاد با مدیریت امام زمانی) مردمی می‌توان بر مشکلات اقتصادی فائق آمد و عدالت را در جهت منافع ۹۶ درصد گستراند.

زوج روحانی - جهانگیری به‌رغم آنکه در غیاب هاشمی رفسنجانی بیشترین ظرفیت برای نمایندگی گفتمان توسعه‌مبته بر رشد اقتصادی و حل مسائل داخلی متکی به روابط خارجی را داشت؛ اما به دلیل قدرت بالای رقبای اصولگرا در جذب اقشار ضعیف، روحانی و جهانگیری مجبور بودند بیشتر به دفاع از عملکرد اقتصادی خود بپردازند و نتوانند اهمیت توسعه سیاسی و داشتن چشم‌انداز آینده‌نگر امیدوار به آزادی را به‌درستی بیان کنند. در حقیقت فرهنگ فقر بر فرهنگ امید غلبه یافت. در مقابل رئیسی با تکیه بر اقشار ضعیف و فرهنگ فقر بیشترین قدرت نمایندگی گفتمان عدالت را یافت و به شکل مطلوبی از این فرصت بهره گرفت؛ زیرا در جوامع در حال توسعه در اغلب موارد غم نان بر غم آزادی ارجحیت دارد.

در بخش دیگر کارزار انتخاباتی، درحالی‌که جهانگیری و روحانی اصلاحات اصول‌گرایانه را در امتداد آزادی‌های سیاسی اجتماعی می‌دیدند، رئیسی اصولگرایی اصلاح‌طلبانه را درگرو برقراری عدالت و دولت کار و کرامت مهدوی می‌دانست، قالیباف و هاشمی‌طبا در عین وجه اشتراک گفتمان توسعه‌جویانه در دو سر این طیف قرار داشتند، قالیباف گفتمان پیشرفت و عدالت خود را با تأکید بر رونق اقتصادی درون‌زایی، کار، نوگرایی و مدیریت الکترونیکی را در جناح اصولگرایی بیان می‌کرد و هاشمی‌طبا در سر دیگر طیف گفتمان پیشرفت و توسعه پایدار خود را بر محور روابط بین‌المللی و میهن‌دوستی پیش می‌کشد.

به‌طورکلی آنچه در گفتمان‌های نامزدهای انتخابات دوازدهمین دوره ریاست جمهوری مشهود همگرایی انقلابی اسلامی این گفتمان‌ها بود. دال‌های شناور^{۱۲} چندی در گفتمان‌های رقیب مشترک بود که هیچ‌کدام نتوانستند آن‌ها را تثبیت بخشند، مهم‌ترین دال‌های شناور سه گفتمان در حوزه اقتصادی- اجتماعی (فقر و نابرابری‌های اقتصادی- اجتماعی) بود. هر سه گفتمان بر وجود فقر و نابرابری اجماع داشتند و اختلاف در دفاع از عملکرد خود و یا انتقاد به عملکرد حریف در آن حوزه بود. فاصل / طبقاتی ۴/۹۶ درصدی‌ها عنصر هر سه گفتمان بود و تفاوت تنها در عضویت در گروه ۹۶ یا ۴ درصد بود. بی‌اخلاقی‌های سیاسی و فساد مالی و رانت‌خواری نیز توپ میدان بازی انتخاباتی بود که هر یک از نامزدها به دروازه دیگری شلیک می‌کرد و درنهایت نتیجه بازی باخت - باخت به زیان رقبا و باخت به زیان فضای عمومی جامعه و مردم و عمومیت یافتن بی‌اعتمادی به ارکان نظام، انقلاب و دولت شد.

به نظر می‌آید مهم‌ترین مسئله کنونی کشور گسترش فقر، نابرابری‌ها و فاصله طبقاتی است و جامعه در حالت نظم و تعادل و به کارکردی نیست (حمیدیان، ۱۳۹۶: ۲۸۸). در چنین شرایط بحرانی اقتصادی و گسترش فقر و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، گفتمان‌های عدالت محور پوپولیستی از اقبال بیشتری برخوردارند تا گفتمان‌های آکادمیک توسعه محور یا آزادی محور. شاید در دهه‌های آینده پس از رفع مشکلات اقتصادی عامه مردم بتوان به شانس پذیرش گفتمان‌های اخیر امیدوار بود؛ البته باید توجه داشت همچنان که رفاه اقتصادی درگرو توسعه سیاسی و گسترش گفتمان‌های مدارای اجتماعی و کثرت‌گرایی فرهنگی سیاسی است، سیاست و سیاست‌گذاری نیز در تعامل با و ترکیبی از اقتصاد و اجتماع است.

۱. آقا گل زاده، فردوس (۱۳۹۱) **تحلیل گفتمان و کاربردشناسی** (مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی)، تهران، نشر نویسه پارسی.
۲. امینی، پرویز (۱۳۹۶) «حضور ۳ گفتمان در انتخابات ۹۶/ نامزدهای ریاست‌جمهوری نمایند/ چه گفتمانی هستند؟» **خبرگزاری تسنیم**، دهم اردیبهشت ۱۳۹۶.
۳. بشیر، حسن؛ طاهری، سید حمید (۱۳۹۴) «تحلیل گفتمان فیلم‌های تبلیغاتی نامزدهای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران» (۱۳۸۸)، **فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست**، سال چهارم، شماره ۱۳، تابستان ۱۳۹۴.
۴. تاجیک محمدرضا، روز خوش محمد (۱۳۸۷) «بررسی نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران از منظر تحلیل گفتمان»، **مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی**، سال ۱۶، شماره ۶۱، تابستان ۱۳۸۷.
۵. جول، جیمز (۱۳۸۸) **گرامشی**، ترجمه محمدرضا زمردی، چاپ اول، تهران نشر ثالث.
۶. جهانگیری، جهانگیر؛ فتاحی، سجاد (۱۳۹۰) «تحلیل گفتمان محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست دوره دهم»، **مجله مطالعات اجتماعی ایران**، دوره پنجم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰.
۷. حمیدیان، اکرم (۱۳۹۶) **نابرابری، فقر، طرد اجتماعی**، چاپ اول، تهران انتشارات جامعه‌شناسان.
۸. سلطانی، علی‌اصغر (۱۳۸۴) **قدرت، زبان و گفتمان**، تهران، چاپ اول، نشر نی.
۹. فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹) **گفتمان و متن: تحلیل زبان‌شناختی و بینامتنی در چهارچوب تحلیل گفتمان**، رامین کریمیان، در: **تحلیل گفتمان انتقادی**، جمعی از مترجمان، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۱۰. فیلیپس لوئیز، یورگنسن ماریان (۱۳۹۴) **نظریه و روش در تحلیل گفتمان**، هادی جلیلی، تهران، نشر نی.

۱۱. فجری حسینعلی، نظری جواد (۱۳۹۲) کاربرد تحلیل گفتمان در تحقیقات اجتماعی، تهران انتشارات جامعه شناسان.
۱۲. لعل علیزاده، محمد (۱۳۹۳) جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۱۳. مک، دائل دایان (۱۳۸۰) مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان، حسینعلی نوذری، تهران، نشر نی.
۱۴. ون دایک، تئو ای (۱۳۸۲) مطالعاتی در تحلیل گفتمان - از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی، گروه مترجمان، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

لاتین

15. Arthur Berger Asa(2016) Popular :Analysis Discourse Applied Macmillan Palgrave ,Life Everyday and ,Media ,Culture
16. ((Yannis Stavrakakis ,J Aletta Norval ,J David Howarth(2000) Discourse Social and Hegemonies ,Identities :Analysis Political and Theory Press University Manchester ,Change
17. Howarth Juraj(2009) Political Obama's of Analysis Discourse Critical ,Discourse International Conference of Language, Literature and Culture in a Changing Transatlantic

¹. text internal
². Van Dijk,T.A
³. Antagonism
⁴. Ernesto Laclau& Chantal Mouffe
⁵. Nodal Point
⁶. Moment
⁷. Element
⁸. Articulation
⁹. Field of discursively
¹⁰. Discourse internal
¹¹. Equivalence chain
¹². Floating signifier